



University of Tehran Press

The Genealogy of Public Choice Theory

Roohollah Makarem^{1✉}  | Mojtaba Ghasemi² 

1. Corresponding Author; PHD student in public law, faculty of law, shahid beheshti university, Tehran, Iran. Email: r.makarem1996@gmail.com
2. Assistant Professor in Economic Law, faculty of law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: ghasemi@sbu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Public choice theory, as a branch of political economy, examines collective decision-making through the analytical tools of economics. It extends market-based rational choice models to non-market political and legal institutions. This paper adopts a descriptive-analytical method and utilizes library sources to trace the historical trajectory and theoretical development of public choice theory. While some of its conceptual roots can be identified in the late 18th century, its systematic formulation emerged in the mid-20th century, particularly in the United States. Despite the foundational ties between political economy and legal academia, economists have played a dominant role in the consolidation of this theory. Initially, public choice theory challenged idealistic notions of democracy and voting by introducing more skeptical, utility-based interpretations of political behavior. Over time, its scope expanded to cover government institutions, bureaucratic behavior, budgetary processes, and regulatory systems. By the late 20th century, the theory became central to the economic analysis of politics, evolving beyond the binary logic of two-party systems to account for multiparty dynamics. This expansion introduced new analytical dimensions, such as the structure and quality of political coalitions and the predictability of their outcomes.
Pages: 1-26	
Received: 2025/04/26	
Received in Revised form: 2025/07/19	
Accepted: 2025/08/04	
Published online: -----	
Keywords: <i>Voter Behavior, Democracy, State, Bureaucracy, Political Economy.</i>	
How To Cite	Makarem, Roohollah; Ghasemi, Mojtaba (2025). The Genealogy of Public Choice Theory. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-26. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.393690.3742
DOI	10.22059/jplsqt.2025.393690.3742
Publisher	The University of Tehran Press. 



تبارشناسی نظریه انتخاب عمومی

روح‌اله مکارم^۱ | مجتبی قاسمی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران، ایران.

رایانامه: r.makarem1996@gmail.com۲. استادیار گروه حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: ghasemi@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	نظریه انتخاب عمومی همانند سایر نظریات اقتصاد سیاسی، به عنوان کاربرد ابزارها و روش‌های اقتصادی در تحلیل سیاست و حقوق عمومی شناخته می‌شود. این اندیشه الگوی تصمیم‌گیری بازاری را به رفتارهای غیربازاری گسترش می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تحلیل سیر تطور تاریخی و گسترش نظریه انتخاب عمومی می‌پردازد. ریشه‌های اولیه برخی از ابعاد این نظریه به اواخر قرن هجدهم باز می‌گردد. با این حال مبدأ پیدایش این نظریه به طور مدون در میانه قرن بیستم و در ایالات متحده آمریکا است. اگرچه دانش اقتصاد سیاسی از بستر دانش‌های حقوق شکل گرفته و سپس مستقل شده است، اما اقتصاددانان تأثیر بیشتری در نضج و نمو این نظریه بر عهده داشتند. نظریه انتخاب عمومی در ابتدا تأثیرات خود را بر مفاهیم دموکراسی و شیوه رأی‌گیری با ایجاد نگرش‌هایی بدبینانه نمایان ساخت و سپس به حوزه‌های دیگری نظیر دولت، بوروکراسی، بودجه‌ریزی و مقررات‌گذاری گسترش یافت. در اواخر قرن بیستم، این نظریه به جریان اصلی تحلیل اقتصادی سیاست تبدیل شد و از نظام‌های دوحزبی به نظام‌های چندحزبی توسعه یافت. این روند گسترش، مفاهیم نوینی مانند کیفیت ائتلاف‌ها و پیش‌بینی نتایج آن‌ها را به مباحث انتخاب عمومی افزود.
صفحات: ۲۶-۱	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳	
تاریخ انتشار برخط: -----	
کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، بروکراسی، دموکراسی، دولت، رفتار رأی‌دهندگان.	
استناد	مکارم، روح‌اله؛ قاسمی، مجتبی (۱۴۰۴). تبارشناسی نظریه انتخاب عمومی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۲۶-۱.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.393690.3742
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

اگرچه اولین بسترهای اقتصاد سیاسی در دانشکده‌های حقوق شکل گرفته است و نخستین اقتصاددان‌ها، حقوقدان هم بوده‌اند و به موضوع حقوق عمومی می‌پرداختند^۱ (فوکو، ۱۳۸۹: ۶۱)؛ با این حال نظریه انتخاب عمومی در ابتدا به عنوان یکی از نظریات و شاخه‌های علم اقتصاد پدید آمد و سپس به یک حوزه جذاب میان‌رشته‌ای در تقاطع اقتصاد، علوم سیاسی و حقوق تبدیل شد (ملک‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). این نظریه بر این ایده استوار است که اصول اقتصادی را می‌توان برای فهم رفتارهای سیاسی به کار برد، با این پیش‌فرض که سیاست‌مداران، بوروکرات‌ها، و رأی‌دهندگان نیز مانند دیگر بازیگران اقتصادی، تصمیم‌های خود را بر اساس منافع شخصی و محدودیت‌های موجود در نهادهای سیاسی می‌گیرند. توسعه تاریخی نظریه انتخاب عمومی با مشارکت چندین اندیشمند کلیدی شکل گرفته است که ایده‌های آنان نحوه تحلیل فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی را متحول ساخته است (رحیمی مقدم و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۸ و ۲۹). مرور تاریخی این نظریه و اندیشمندان آن، به بررسی مهم‌ترین مراحل علمی، مناظرات فکری و پیشرفت‌های روش‌شناختی که بر شکل‌گیری نظریه انتخاب عمومی تأثیر داشته‌اند، کمک می‌کند.

در ادامه در چهار گفتار، سیر تاریخی پیدایش و شکوفایی نظریه انتخاب عمومی بیان می‌شود. در گفتار اول «پیشگامان انتخاب عمومی» معرفی می‌شوند. اگرچه ایشان به صراحت نظریه انتخاب عمومی را بیان نکردند؛ اما شالوده این نظریه در اندیشه‌های آن‌ها نهفته است. سپس در گفتارهای بعدی، تاریخ تحولات این نظریه با عنوان دوره‌های اول تا سوم در بازه‌های زمانی تقریباً سی‌ساله شرح و بسط داده می‌شود.

۲. پیشگامان

می‌توان در خصوص پیشگامان انتخاب عمومی دو گونه پیشینه‌یابی کرد؛ از یک سو، اگر این موضوع به عنوان شاخه‌ای از علم ریاضی دانسته شود، تاریخ آن به اواخر قرن ۱۸ و دو ریاضیدان فرانسوی (بورد^۲ و کندورسه^۳) برمی‌گردد. از سوی دیگر، اگر از آن به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد صحبت شود، این موضوع از اواخر دهه ۱۹۴۰ به وجود آمد. بر اساس رویکرد اول، در اواخر قرن هجدهم و سپس در قرن نوزدهم، برخی ریاضیدانان به ریاضیات فرایند رأی‌گیری علاقمند شدند (تولاک، ۱۳۸۴: ۴۸). کندورسه اولین کسی بود که «مسئله چرخه»^۴ یا «تناقض کندورسه»^۵ را کشف کرد. این امکان که در صورت

۱. برای مثال بکاریا در چارچوب حقوق کیفری، اقتصاددان بود.

2. J.C. de Borda (1781), see: de Borda, J. C. (1781). *Memoire sur les Elections au Scrutin*. Paris: Histoire de l'Academie Royale des Sciences.

3. M. de Condorcet (1785), see: de Condorcet, M. (1785). *Essai sur l'Application de L'Analyse a` la Probabilite` des De`cisions Rendues a` la Pluraliste des Voix*. Paris.

4. problem of cycling

5. Condorcet's paradox

استفاده از قانون اکثریت ساده، ممکن است جایگزین «X» در رأی‌گیری با «Y» شکست بخورد، «Y» در برابر جایگزین دیگری به نام «Z» شکست بخورد، اما «Z» نیز از «X» شکست بخورد ($X > Y > Z$). وجود چنین امکانی، به وضوح این مسئله را مطرح می‌کند که جامعه چگونه می‌تواند در میان این سه گزینه تصمیم‌گیری کند، وقتی که چرخه‌ای وجود دارد؛ چه توجیه‌های جاری برای هر تصمیم اتخاذ شده خواهد داشت.

به عبارت بهتر اگر تناقضی وجود نداشته باشد، افراد به راحتی می‌توانند از میان سه گزینه (مثلاً سه نامزد انتخاباتی) یک رتبه‌بندی ثابت و منطقی داشته باشند. در مسئله چرخه این پایداری از بین می‌رود، به طوری که:

اکثریت گروه گزینه A را بر گزینه B ترجیح می‌دهند.

اکثریت همان گروه گزینه B را بر گزینه C ترجیح می‌دهند.

اما به طرز پارادوکسیکال، اکثریت گروه گزینه C را بر گزینه A ترجیح می‌دهند.

این وضعیت باعث ایجاد یک چرخه ترجیحاتی می‌شود که در آن هیچ گزینه‌ای به‌طور قاطع برنده نهایی نیست؛ زیرا هر گزینه‌ای هم برنده و هم بازنده است. در این چرخه، ترجیحات گروه دچار تناقض داخلی می‌شوند و ترتیب ثابتی برای ترجیحات گروه وجود ندارد. این مسئله نشان‌دهنده محدودیت‌های سیستم‌های اکثریتی ساده در دستیابی به یک تصمیم جمعی بدون تناقض است و می‌تواند به بن‌بست یا بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری بیانجامد.

علاوه بر این، کندورسه با اثبات «قضیه هیأت منصفه»، نام خود را به بخش مهم دیگری از ادبیات انتخاب عمومی داد. اکنون این قضیه با عنوان قضیه هیأت منصفه کندورسه^۱ شهرت دارد^۲. این قضیه توجیهی برای تصمیم‌گیری جمعی با قاعده اکثریت ساده و همچنین دلیلی برای نهاد دموکراسی فراهم می‌کند و بر سه فرض استوار است:

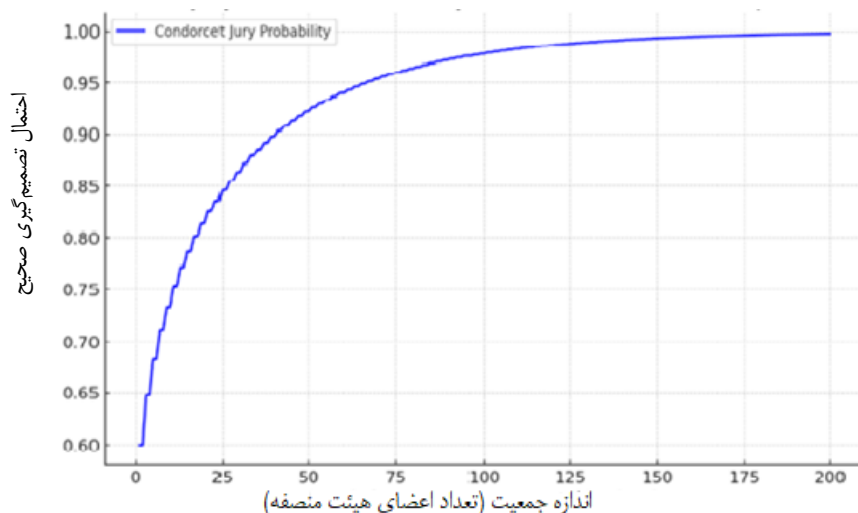
۱. جامعه با یک انتخاب دوگانه میان X و Y مواجه است، که تنها یکی از این دو گزینه، انتخاب «درست» برای جامعه محسوب می‌شود.

(۲) همه افراد جامعه می‌خواهند انتخاب درستی داشته باشند.

(۳) احتمال آنکه یک شهروند به انتخاب درست رأی می‌دهد بیشتر از ۰.۵ است.

1. Condorcet jury theorem

۲. کندورسه تصمیم جمعی را به عنوان تصمیمی در مورد تعیین اینکه آیا یک شخص مرتکب جرم خاصی شده است یا خیر توصیف کرد. از این رو قضیه هیأت منصفه نامیده شد.



شکل ۱. قضیه هیأت منصفه کندورسه: احتمال تصمیم درست در مقایسه با اندازه جمعیت

همانطور که در نمودار بالا قابل مشاهده است، این قضیه بیان می‌کند که احتمال اینکه جامعه با استفاده از قانون اکثریت ساده انتخاب درستی انجام دهد، با افزایش تعداد رأی‌دهندگان افزایش می‌یابد. این قضیه یک نمونهٔ هنجاری برای قاعدهٔ اکثریت ساده ارائه می‌کند. در صورتی که پیش‌فرض‌های آن پذیرفته شود، نتیجه آن بدیهی است (مولر، ۱۳۹۵: ۲۲۲-۲۲۰).

به عنوان مثال، تصور کنید که همهٔ افراد جامعه موافق هستند که «دولت خوب» را می‌خواهند. آن‌ها دولتی را خوب می‌دانند که اولاً صادق باشد، ثانیاً کالاها و خدمات عمومی ارائه کند؛ ثالثاً مالیات وضع کند تا رفاه جامعه را به حداکثر برساند. در چنین شرایطی دو حزب در انتخابات با هم رقابت می‌کنند. هر شهروند به حزبی رأی می‌دهد که باور دارد بهترین دولت را تشکیل می‌دهد. اگر هر شهروند با احتمال بیش از ۰.۵، حزب مورد نظرش را انتخاب کند، دموکراسی (دو حزبی) می‌تواند با احتمال زیاد بهترین دولت را در میان تعداد زیادی از رأی‌دهندگان انتخاب کند.

تحلیل مفروضات دوم و سوم از این قضیه در اثبات کارآمدی دموکراسی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. به این صورت که شهروندان یک هدف مشترک به عنوان انتخاب دولت خوب دارند. هر شهروند بیش از ۰.۵ احتمال دارد که حزبی را انتخاب کند که بهترین دولت را ارائه دهد. شهروندان برای تصمیم‌گیری دربارهٔ نحوهٔ رأی دادن فقط سکه نمی‌اندازند، آن‌ها احزاب را مطالعه و آگاهانه انتخاب می‌کنند. این فرض که همه بر سر چپستی دولت خوب توافق دارند، هنگامی بحث‌برانگیزتر می‌شود که به

همه وظایف دولت‌ها فکر کنیم. اگر شهروندان درباره کاری که دولت باید انجام دهد اختلاف نظر داشته باشند، «انتخاب درست» برای همه شهروندان وجود نخواهد داشت. در این صورت، احزاب در دو موضوع رقابت خواهند کرد؛ اول چگونگی پیشبرد رفاه جامعه، دوم چگونگی تعریف رفاه. در آخر، وقتی به جمعیت بزرگی از رأی‌دهندگان فکر می‌شود، فرض آگاهی رأی‌دهندگان نیز بحث‌برانگیز می‌شود.

بسیاری از مطالعات در انتخاب عمومی^۱ برخی از فروض لازم برای به کارگیری قضیه هیئت منصفه کندورسه در مطالعه سیاست را به کار می‌گیرند؛ بسیاری دیگر از این مطالعات چنین نمی‌کنند. در پژوهش‌های مرتبط با رقابت حزبی که از «مدل سازی فضایی» استفاده می‌کنند، به طور معمول، فرض بر این است که رأی‌دهندگان آگاه هستند و درک روشنی از موقعیت احزاب در یک چشم‌انداز سیاسی تعریف شده بر اساس مسائل کلیدی دارند. این فرض به این معناست که رأی‌دهندگان می‌توانند احزاب را به طور دقیق روی طیفی مشخص کنند و آن‌ها را بر اساس ابعاد ایدئولوژیک یا سیاستی معین ارزیابی کنند. با این حال، این ادبیات معمولاً فرض نمی‌کند که رأی‌دهندگان درباره جایگاه این احزاب در فضای مسائل هم‌عقیده باشند. در عوض، این مطالعات «تضاد منافع و ترجیحات» میان رأی‌دهندگان را یک پیش‌فرض قرار می‌دهند. این تفاوت‌ها منجر به موقعیت‌هایی می‌شود که رأی‌دهندگان حتی با وجود آگاهی دقیق از اقدام‌های احتمالی احزاب در صورت پیروزی، بر سر اینکه کدام حزب بهتر است توافق ندارند. این فرض، جامعه‌ای کثرت‌گرا را در نظر می‌گیرد که در آن منافع شخصی یا تفاوت‌های ایدئولوژیک منجر به ارزیابی‌های رقابتی از گزینه‌های سیاسی می‌شود و دستیابی به اجماع را حتی در میان یک جامعه آگاه دشوار می‌کند.

از سوی دیگر، شاخه‌ای متفاوت از ادبیات انتخاب عمومی فرض «منافع مشترک» بین شهروندان را اتخاذ می‌کند که به‌طور نزدیک‌تری با «فرض دوم» قضیه هیئت منصفه هم‌خوانی دارد. این حوزه مطالعاتی معمولاً بر تصمیم‌هایی متمرکز است که در «مرحله قانون اساسی» فرآیند سیاسی گرفته می‌شوند؛ جایی که قواعد و هنجارهای اساسی شکل می‌گیرند و در آن فرض بر این است که شهروندان در تمایل به ایجاد یک ساختار حکومتی پایدار، مؤثر و عادلانه هم‌عقیده‌اند. این دسته از آثار که امروزه بیشتر با عنوان «اقتصاد سیاسی قانون اساسی» شناخته می‌شوند، سازوکارهای نهادی و قانون اساسی را که می‌تواند به طور نظری این منافع مشترک را تسهیل کند، بررسی می‌کنند. در اینجا، تمرکز قضیه هیئت منصفه بر تصمیم‌گیری جمعی با یک هدف مشترک به‌ویژه مرتبط است، زیرا فرض منافع مشترک اجازه می‌دهد با ایده‌آل‌های دموکراتیک عدالت، برابری و کارایی در حاکمیت هم‌خوانی بیشتری ایجاد شود.

بنابراین، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، کار پیشگامانه کندورسه بسیاری از سؤالات ادبیات انتخاب

1. public choice

عمومی مدرن را مطرح کرد. آیا افراد دارای منافع مشترک هستند؟ آیا دموکراسی پایدار است یا نه (تولید چرخه‌ها)؟ آیا رأی‌دهندگان به اندازه کافی آگاه هستند که فرد بتواند با جمع‌آوری اطلاعات ترجیحات خود را به دست آورد؟ برای جمع‌آوری این اولویت‌ها باید از چه قانون رأی‌گیری‌ای استفاده شود؟^۱

بوردا نیز مانند کندورسه، از پایه‌گذاران و پیشگامان نظریه انتخاب عمومی محسوب می‌شود. بوردا به استفاده از قانون اکثریت ساده برای جمع‌آوری اولویت‌ها انتقاد داشت و به جای آن قاعده‌ای را پیشنهاد کرد که امروزه با نام او شهرت دارد. بدین صورت که اگر n نتیجه ممکن، برای یک تصمیم جمعی وجود داشته باشد، هر رأی‌دهنده به ترتیب اولویت به هر انتخاب یک عدد اختصاص دهد. به این صورت، که به اولویت اول خود عدد یک (کمترین امتیاز) و به دومین اولویت، عدد دو اختصاص می‌دهد و به همین شکل تا عدد n ادامه می‌یابد. سپس امتیازهای اعطا شده به همه رأی‌دهندگان جمع می‌شود و قانون شمارش بوردا، گزینه‌ای را که کمترین امتیاز را دریافت می‌کند، به عنوان برنده انتخاب می‌کند. در این شیوه هر چه آن تصمیم مطلوب‌تر باشد، امتیاز کمتر و هر چه نامطلوب‌تر باشد، امتیاز بیشتری کسب می‌کند. اگر فقط دو گزینه برای انتخاب باشد، قاعده شمارش بوردا معادل قانون اکثریت ساده است. در برخی حالات از مشکل چرخه اجتناب می‌کند و همچنین دارای خواص مطلوب دیگری است که آن را جذاب می‌سازد.^۲

قبل از پایان دادن به این بحث درباره پیشگامان انتخاب عمومی، سه نام دیگر شایسته ذکر مختصری هستند؛ ریاضیدان دیگری به نام کشیش چارلز ال. داجسون^۳ (امروزه بیشتر با نام لوئیس کارول^۴ شناخته می‌شود) در این خصوص فعالیت داشت. وی تعدادی جزوه را نوشت که خواص روش‌های رأی‌گیری را تقریباً یک قرن پس از کار بوردا و کندورسه تحلیل می‌کرد.^۵ کتاب میل^۶ با عنوان «ملاحظات در مورد حکومت نمایندگی»^۷ (۱۸۶۱) نیز باید ذکر شود.^۸ او یکی از اقتصاددانان بزرگ قرن ۱۹ بود. اگرچه این اثر به طور حتم کمک اولیه به علوم سیاسی است تا انتخاب عمومی. با این وجود، ذهن منطقی و متفکر وی

۱. برای مشاهده مطالب بیشتر نسبت به کندورسه و قضیه هیأت منصفه ر.ک:

Young, H. P. (1997). Group choice and individual judgements. in Mueller, D.C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 201–225.

Saari, D. G. (1994). *Geometry of Voting*. Berlin Heidelberg New York: Springer. ر.ک: ۲.

3. Charles L. Dodgson

4. Lewis Carroll

۵. برای مطالعه بیشتر به ر.ک:

Black, D. (1958). *The Theory of Committees and Elections*. Cambridge: Cambridge University Press.

6. J.S. Mill

7. Considerations on Representative Government

8. See: Mill, J. S. (1861). *Considerations on Representative Government*. New York: Bobbs-Merrill, 1958.

کاملاً مشهود است. همین مطلب را می‌توان در مورد مقاله ویکسل^۱ با عنوان «مالیات عادلانه»^۲ که در قرن نوزدهم به پایان رسید، گفت. همانطور که عنوان نشان می‌دهد، این مقاله به همان اندازه یا بیشتر کمکی به مالیه عمومی است تا مطالعه سیاست، اما حاوی یک توجیه اقتصادی هنجاری اولیه برای دولت (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴: ۲۸) و دفاع از قانون وحدت رویه برای تجميع ترجیحات فردی است.^۳

همانطور که در صفحه‌های پیش گفته شد، تمام این مطالب بر این رویکرد استوار است که مبدأ نظریه انتخاب عمومی، در علم ریاضی جستجو شود. در مقابل اگر پیدایش این نظریه در بستر علم اقتصاد فرض گردد، باید گفت که از زمان افلاطون (۳۴۷-۴۲۸ پیش از میلاد) و ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ پیش از میلاد) تا میانه قرن بیستم، علم سیاست فقط به عنوان مسئله‌ای برای تولید سیاست‌های اخلاقی و درست‌کارانه تلقی می‌شد. ادعای لئو اشتراوس (۱۸۹۹-۱۹۷۳) مبنی بر اینکه علم سیاست «علم عمل درست» است، شاید افراطی به نظر برسد؛ اما دیدگاهی غیرمعمول نبود. هیچ نظریه رسمی درباره چگونگی عملکرد دولت خارج از چنین مبانی اخلاقی و ارزشی وجود نداشت (Tullock, 2002: 3).

دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) نخستین کسی بود که شکاف‌های قابل توجهی در این رویکرد یکپارچه ایجاد کرد. او دیدگاهی نسبتاً بدیهی را اتخاذ کرد، مبنی بر این که بیشتر افراد در رفتار خود به دنبال منافع شخصی‌شان هستند تا یک منافع عمومی گسترده، و در چندین مقاله این خط فکری را در حوزه اقتصاد به کار گرفت. پیش‌درآمدهایی برای کار او را می‌توان در اندیشه‌های اروپایی و حتی غیروپایی یافت؛ اما تا زمان هیوم و دوست او، آدام اسمیت، دیدگاه غالب درباره ماهیت انسانی و دولت این بود که رویکرد اخلاقی یا منافع عمومی مسلط است. آدام اسمیت با فرض اینکه افراد به طور عمده، دنبال منافع شخصی خود هستند و با بررسی پیامدهای این فرض در عرصه اقتصاد، اقتصاد مدرن را توسعه داد. او در کتاب «ماهیت و علل ثروت ملل» سه فصل را به دولت اختصاص داد، در حالی که همچنان مدل اخلاق‌محور یا مبتنی بر منافع عمومی را حفظ کرد.

تا روزگار آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰)، بیشتر مباحث اجتماعی ماهیتی از اساس اخلاقی داشتند. به تمام اقشار اجتماعی گفته می‌شد که چه چیزی از نظر اخلاقی درست است و آن‌ها ترغیب می‌شدند که آن را انجام دهند. در این دیدگاه، فرض بر این بود که همه این افراد در حال تلاش برای حداکثرسازی منافع عمومی هستند و شاید در واقع چنین نیز بوده‌اند. ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) و هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹) از استثنای مهم این قاعده به شمار می‌رفتند؛ با این وجود، تأثیر آن‌ها به مراتب کمتر از آن چیزی بود

1. K. Wicksell

2. Just Taxation

3. See: Wicksell, K. (1896). Ein neues Prinzip der gerechten Besteuerung. *Finanztheoretische Untersuchungen*, Jena; translated as "A New Principle of Just Taxation," 1958; reprinted in (1967).

که میزان خواندگانشان ممکن است نشان دهد. بیشتر خوانندگان آنان را به عنوان افرادی می‌پنداشتند که به طریقی شریانه علیه اخلاق استدلال می‌کنند، نه به عنوان افرادی که سیستمی علمی و ذاتاً غیراخلاقی ارائه می‌دهند. بنابراین در سرتاسر قرن نوزدهم و تا میانه قرن بیستم، اقتصاددانان فرض می‌کردند که افراد به طور کلی به منافع شخصی خود توجه دارند و پیامدهای این فرض را مورد بررسی قرار دادند. در مقابل، در همین دوره، علم سیاست بیشتر بر این فرض استوار بود که کنشگران سیاسی به‌ویژه به منافع عمومی توجه دارند (Tullock, 2002: 4). نظریه انتخاب عمومی فرض بنیادین علم سیاست را تغییر داد و تمایز میان انگیزه رفتارهای بازاری و غیربازاری را از بین برد.

۳. دوره اول

دوره اول از اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی آغاز تا اوایل دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. از منظر تاریخی، این دوره پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. در این سال‌ها با اوج‌گیری اندیشه‌های مارکسیستی و مطالبات کارگری و همچنین پیامدهای ناشی از شکست نظریه بازار، وظایف دولت افزایش می‌یابد (رضایی، ۱۳۸۹: ۵۹). در چنین فضای سیاسی و اجتماعی ادبیات مدرن در موضوع انتخاب عمومی با انتشار مقالاتی توسط بلک^۱، بوکانان^۲ و آرو^۳ در اواخر دهه ۱۹۴۰ و دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. دو مقاله دانکن بلک که ابتدا در سال ۱۹۴۸ منتشر شد و سپس با ضمیمه‌ها و شرحی جالب از تاریخچه ایده‌های نهفته در پشت کار او دوباره انتشار یافت، «مسئله چرخه» تحت قانون اکثریت ساده را مطرح می‌کند و اثباتی بر قضیه مشهور «رأی‌دهندگان میانه»^۴ ارائه می‌دهد. این قضیه به طور مکرر برای توصیف تعادل در مطالعات نظری مورد استناد قرار گرفته است و اساس تحلیلی برای بسیاری از کارهای تجربی در انتخاب عمومی بوده است.^۵

1. See: Black, D. (1948a). On the rationale of group decision making. *Political Economy*, 56: 23–34; reprinted in K.J. Arrow and T. Scitovsky (eds.) (1969) 133–146.
Black, D. (1948b). The decisions of a committee using a special majority. *Econometrica*, 16, 245–261.
2. See: Buchanan, J. M. (1949). The pure theory of government finance: A suggested approach. *Political Economy*, 57: 496–506.
3. See: Arrow, K. J. (1950). “=A difficulty in the concept of social welfare.” = *Political Economy*, 58: 328–346.
4. median voter theorem (MVT)

۵. نظریه رأی‌دهنده میانه (MVT) بیان می‌کند که در یک سیستم رأی‌گیری اکثریتی، به‌ویژه در انتخابات با دو نامزد و یک طیف سیاست یک‌بعدی، نتیجه انتخاباتی به احتمال زیاد منعکس‌کننده ترجیحات رأی‌دهنده‌ای است که موقعیتش دقیقاً در میانه طیف ترجیحات رأی‌دهندگان قرار دارد. بر اساس این نظریه، نامزدها برای کسب رأی بیشتر به سمت مواضع میانه نزدیک می‌شوند تا ترجیحات رأی‌دهنده میانه را جذب کنند و شانس پیروزی خود را افزایش دهند. این نظریه

آرو به عنوان دیگر اندیشمند دوره اول، ثابت کرد که هیچ رویه‌ای برای تجمیع ترجیحات فردی نمی‌تواند تضمین شود که نظم اجتماعی کاملی را بر روی همه انتخاب‌های ممکن ایجاد کند و در عین حال پنج شرط ساده و به ظاهر معقول را نیز برآورده سازد.^۱ قضیه آرو به طور غیرمستقیم دوباره مسئله چرخه را مطرح کرد؛ زیرا یکی از بدیهیات او اطمینان از رخ ندادن چرخه بود. مقاله آرو در سال ۱۹۵۰ و کتاب او در سال ۱۹۵۱^۲ با عنوان «انتخاب اجتماعی و ارزش‌های فردی» جنجال‌های زیادی را برانگیخت و الهام‌بخش ادبیات گسترده‌ای شد.

در ادامه مسیر بلک و آرو، بوکانن قرار دارد. اگرچه بوکانن چندین مقاله مهم را قبل از سال ۱۹۶۲ منتشر کرد، اما کتاب «محاسبه رضایت»، او را تبدیل به یکی از دانشمندان برجسته در این حوزه کرد. این کتاب با همکاری گوردون تالوک در آن سال منتشر شد.^۳ او در این کتاب استدلال کرد که بازیگران سیاسی، مانند بازیگران بازار، بیشتر بر اساس منافع شخصی تصمیم می‌گیرند. این کتاب حاوی بحث‌های جالب بسیاری درباره ویژگی‌های قانون اکثریت ساده، همکاری متقابل (معاملات سیاسی)^۴ و مواردی از این دست است. علاوه بر این یکی از مهم‌ترین سهم‌های آن در ادبیات انتخاب عمومی، معرفی تمایز بین مرحله قانونی تصمیم‌گیری جمعی است که در آن قوانین رأی‌گیری و دیگر نهادهای دموکراسی انتخاب می‌شوند و کاربرد واقعی این قوانین در انجام انتخاب‌های جمعی است. به عبارت بهتر باید در مرحله تأسیس پارلمان و کیفیت انتخابات آن دقت کرد، تا سپس بتوان به طور مؤثر در فرایندهای تصمیم‌گیری در مسائل سیاسی و اقتصادی از آن‌ها استفاده کرد. تفکیک میان مرحله تأسیس نهادهای دموکراتیک و مرحله کاربرد آنها به درک بهتر و عمیق‌تر از فرایندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند.

افزون بر سه اندیشمند پیش گفته، شومپتر نیز از جمله فعالان دوره اول نظریه انتخاب عمومی است. شومپتر در کتاب «سرمایه‌داری، سوسیالیسم و دموکراسی»^۵، نظریه دیگری از دموکراسی را مطرح کرد که در آن کارکرد اجتماعی دموکراسی به طور اتفاقی با مبارزه رقابتی برای تصاحب قدرت بین احزاب

پیش‌بینی می‌کند که سیاست‌های نهایی گرایش به میانه‌روی دارند، زیرا نامزدها سعی می‌کنند سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که بیشترین تعداد رأی‌دهندگان، به ویژه رأی‌دهنده میانه، را جذب کنند. این تئوری پایه تحلیلی مهمی برای مطالعه تعادل در انتخابات و پیش‌بینی رفتار سیاسی در سیستم‌های دموکراتیک فراهم می‌کند.

۱. این شروط عبارتند از: دامنه نامحدود (Unrestricted Domain)، نبود دیکتاتوری (Non-dictatorship)، کارایی پارتو (Pareto Efficiency)، استقلال گزینه‌های نامربوط (Independence of Irrelevant Alternatives)، انتقال‌پذیری (Transitivity)

2. Arrow, K. J. (1951). *Social Choice and Individual Values*. New York: Wiley.

3. Buchanan, J. M., & Tullock, G. (1962). *The Calculus of Consent. Logical Foundations of Constitutional Democracy*. Ann Arbor: University of Michigan Press.

4. logrolling

5. Capitalism, Socialism and Democracy

انجام می‌شود. این رقابت، مشابه رقابت شرکت‌ها برای کسب سود در کارکرد اجتماعی بازار است (Schumpeter, 1942: 22). آنتونی داونز مستقیماً به این استدلال شومپیتر استناد نکرد، اما در رساله‌اش اظهار داشت: «تحلیل عمیق شومپیتر از دموکراسی الهام‌بخش و شالوده‌کل‌تر ما را تشکیل می‌دهد» (Downs, 1957: 27). داونز شاگرد کنت آرو بود، و به نظر می‌رسد که با رساله‌اش می‌خواست بینش شومپیتر را توسعه دهد و نشان دهد که چگونه رقابت سیاسی بین احزاب می‌تواند حداکثر رفاه را ایجاد کند تا به این شیوه از پیامدهای وحشتناک قضیه غیرممکن آرو دوری کند. این تلاش داونز در آخر شکست خورد، اما او موفق شد شیوه‌ای از تجزیه و تحلیل رقابت را با استفاده از مدل‌سازی معرفی کند که قرار بود تأثیر عمیقی بر توسعه این رشته، به‌ویژه در میان شاغلان آموزش‌دیده در علوم سیاسی داشته باشد. داونز همچنین با تکیه بر بینش‌های شومپیتر، مدلی از رأی‌دهنده عقلانی ایجاد کرد که، در میان چیزهای دیگر، به‌طور عقلانی انتخاب می‌کند که نسبت به اکثر مسائل در انتخابات ناآگاه بماند.^۱ به صورت کلی درباره تلاش‌های داونز باید گفت که وی از نظرگاه تحلیل اقتصادی به رفتار احزاب و دموکراسی نمایندگی می‌پردازد (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴: ۲۸).

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که قرار بود تأثیر عمیقی بر حوزه انتخاب عمومی و علوم سیاسی بگذارد، رساله مانکور اولسون^۲ بود. این متن در قالب کتاب در سال ۱۹۶۵ منتشر شد (Alt, 1999: 1-4). همانطور که داونز نشان داده بود که منطق تصمیم‌گیری عقلانی، افراد را وادار می‌کند زمان کمی را برای جمع‌آوری اطلاعات صرف کنند تا در تصمیم‌گیری درباره نحوه رأی دادن به آنها کمک کند، «منطق اقدام جمعی»^۳ افراد را از اختصاص داوطلبانه زمان و هزینه به تهیه کالاهای عمومی باز می‌دارد. مانکور اولسون «مسئله سواری مجانی»^۴ را برای اولین بار پدید نیاورد، اما هیچ‌کس بهتر از او چه در این اثر و چه در آثار بعدی‌اش در این حوزه از آن استفاده نکرده است.^۵

تمام آثاری که در «دوره اول» تاکنون مورد بحث قرار گرفته‌اند، توسط اقتصاددانان نوشته شده‌اند. یکی از آثار یک استاد علوم سیاسی که در این دسته قرار می‌گیرد، «نظریه ائتلاف‌های سیاسی»^۶ اثر ویلیام رایکر^۷ (۱۹۶۲) است. در این کتاب رایکر منطق تشکیل ائتلاف را به نظریه‌ای تبدیل کرد که

1. Downs, A. (1957). *An Economic Theory of Democracy*. New York: Harper & Row, chaps 11-14.

2. Mancur Olson

3. The Logic Of Collective Action

4. Free-Rider Problem

۵. سواری مجانی یا مفت‌سواری اصطلاحی در تحلیل اقتصادی است. این اصطلاح به حالتی اشاره دارد که شخصی از تلاش‌های دیگری بدون پرداخت هزینه آن استفاده می‌کند. این موضوع به‌ویژه درباره کالاهای عمومی مشکل‌ساز

است. ر.ک: بیکس، برایان (۱۳۸۹). فرهنگ نظریه حقوقی. ترجمه محمد راسخ، تهران: نی، ص ۳۲۴.

6. Riker, W. H. (1962). *The Theory of Political Coalitions*. New Haven: Yale University Press.

7. William Riker

می‌تواند یکی از دلایل عمر کوتاه «ائتلاف‌های بزرگ» را توضیح دهد. کتاب رایکر پیش‌درآمدی بر حجم عظیمی از آثار بود که ابزارهای نظریه بازی را در تحلیل سیاسی به کار می‌گرفتند.

تصمیم‌گیری درباره زمانی که دوره اول به پایان می‌رسد و دوره دوم شروع می‌شود، یک قضاوت ذهنی است. با این حال، شاید بتوان محدوده دوره اول را تا اوایل دهه ۱۹۷۰ گسترش داد تا شامل سه مجموعه دیگر از آثار شود. اولین مورد به ترتیب زمانی، مقاله‌ای است که توسط گوردون تالوک در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. این مقاله را می‌توان «دوره اول پنهان» نامید؛ زیرا ماهیت اصلی آن برای این حرفه آشکار نشد تا زمانی که ایده اصلی آن مدتی بعد توسط آن کروگر^۱ و ریچارد پازنر^۲ دوباره کشف شد و توسعه یافت. این کروگر بود که نام «رانت‌جویی»^۳ را به این ایده داد. تا زمانی که مقاله تأثیرگذار تالوک در سال ۱۹۶۷ منتشر شود، تحلیل‌های متعارف از «هزینه‌های اجتماعی انحصار» بیشتر بر کمیت‌سنجی این هزینه‌ها از طریق «مثبت هزینه مرده»^۴ متمرکز بودند، که نشان‌دهنده از دست رفتن مازاد مصرف‌کنندگان ناشی از محدودیت عمده تولید توسط انحصارگر بود. این رویکرد به سادگی ساختار انحصاری را فقط به عنوان انتقال ثروت از مصرف‌کنندگان به انحصارگر توصیف می‌کرد. چنین انتقال‌هایی اغلب به عنوان رفتار خنثی اقتصادی تلقی می‌شدند و از نظر رفاه کلی هیچ‌گونه اهمیت معناداری نداشتند.

با این حال، تالوک این دیدگاه غالب را به چالش کشید و بر این نکته تأکید کرد که حق تأمین یک محصول یا خدمات انحصاری دارای ارزش قابل توجهی است. او استدلال کرد که افراد و شرکت‌ها تمایل دارند زمان و منابع مالی قابل توجهی را برای به دست آوردن یا حفظ این حق سرمایه‌گذاری کنند که نشان‌دهنده درک گسترده‌تری از تأثیرات انحصار فراتر از انتقال‌های اقتصادی است. این سرمایه‌گذاری‌ها، همان‌طور که تالوک اشاره کرد، به نوعی به هدررفت اجتماعی محض منجر می‌شود، زیرا آنها نه ظرفیت تولیدی اقتصاد را افزایش می‌دهند و نه تخصیص منابع را بهبود می‌بخشند. در عوض، آنها فقط هویت دریافت‌کننده رانت انحصاری را تعیین می‌کنند و به ناکارآمدی‌هایی منجر می‌شوند که از رفاه اجتماعی می‌کاهد. هزینه‌های اجتماعی رانت‌جویی به‌طور بالقوه بسیار زیاد است. از زمان آثار اولیه تالوک و کروگر،

1. Anne Krueger
2. Richard Posner
3. Rent Seeking

۴. رک:

Krueger, A. O. (1974). The political economy of the rent-seeking society. *American Economic Review*, 64(3), 291–303; reprinted in Buchanan, J. M., Tollison, R. D., and Tullock, G. (eds.) (1980) 51–70.

Posner, R. A. (1975). The social costs of monopoly and regulation. *Political Economy*, 83: 807–827; reprinted in Buchanan, J. M., Tollison, R. D., and Tullock, G. (eds.), (1980) 71–94.

5. Deadweight Triangle

مقاله‌های متعددی در زمینه میزان هزینه‌های اجتماعی رانت‌جویی منتشر شده است. یکی از شاخه‌های این ادبیات به بررسی شرایط نظری پرداخته است که بر اساس آن منابع جمع‌آوری شده برای رانت‌جویی ممکن است کمتر، برابر یا بیشتر از ارزش خود رانت باشد. شاخه دوم بر تحقیقات تجربی درباره همین سوالات متمرکز شده است.^۱ یکی از ویژگی‌های قابل توجه این آثار، تمایل به محدود کردن رانت‌جویی به عنوان یک پدیده بخش عمومی است. این در حالی است که منطق اساسی رانت‌جویی مشابه بخش عمومی، در بخش خصوصی قابل مشاهده است.

آخرین اثری که به عنوان یک اثر دوره اول واجد شرایط است، کتاب ویلیام نیسکانن در مورد بوروکراسی است. کتاب ویلیام نیسکانن، با عنوان «بوروکراسی و حکومت نمایندگی»، یک مشارکت بنیادی در مطالعه انتخاب عمومی و رفتار بوروکراتیک به شمار می‌رود و تغییر مهمی در نحوه درک محققان از نهادهای دولتی و بوروکرات‌ها ایجاد کرد. نیسکانن در این اثر نظریه‌ای را مطرح کرد که براساس آن بوروکرات‌ها اغلب به دنبال حداکثرسازی بودجه سازمان خود هستند. این فرضیه به‌طور قابل توجهی با دیدگاه پیشین، که بوروکرات‌ها را به عنوان عاملانی بی طرف و کارآمد می‌دانست، متفاوت بود. به جای آن، نیسکانن این گونه استدلال کرد که بوروکرات‌ها، مشابه شرکت‌هایی که به دنبال سود هستند، تمایل دارند منابع سازمانی خود را گسترش دهند که این گسترش معادل افزایش سودمندی شخصی، قدرت و امنیت شغلی برای آن‌هاست (Niskanen, 1971: 36).

مدل نیسکانن نشان داد که تلاش بوروکرات‌ها برای افزایش بودجه منجر به تولید بیش از حد خدمات و تخصیص بیش از حد منابع می‌شود و در آخر به ناکارآمدی‌های اقتصادی دامن می‌زند. این رفتار حداکثرسازی بودجه، همان‌طور که او بیان کرد، باعث افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود و می‌تواند تخصیص منابع را در بخش عمومی مختل کند و بودجه را از کاربردهای بالقوه با تولید بیشتر منحرف سازد. بینش‌های نیسکانن از این طریق نقص مهمی را در ساختار مشوق‌های بوروکراتیک آشکار ساخت و پژوهش‌های بعدی را بر آن داشت تا پیامدهای این پدیده برای حکومت دموکراتیک، هزینه‌های عمومی و پاسخ‌گویی را بررسی کنند (Niskanen, 1971: 47-45).

پس از تحلیل نیسکانن، مجموعه گسترده‌ای از ادبیات علمی به وجود آمد که مدل او که بیشتر به عنوان «مدل حداکثرسازی بودجه» در بوروکراسی شناخته می‌شود، را بررسی و گسترش دهد. محققان از آن زمان تاکنون بررسی کرده‌اند که این مدل چگونه بر جنبه‌های مختلف مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد. برای مثال، پژوهشگران به بررسی تأثیرات حداکثرسازی بودجه بر کارایی خدمات عمومی، نتایج سیاست‌گذاری و محدودیت‌های مالی پرداخته‌اند (Dunleavy, 1991; Mueller, 1997).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: Magee (1997), Tollison (1997) و Mueller (2003)

362: 2003). کار نیسکانن همچنان تأثیرگذار است؛ زیرا پایه تحلیلی برای بحث‌های جاری درباره اصلاحات بوروکراتیک و طراحی ساختارهای انگیزشی در نهادهای عمومی فراهم کرد و طی دهه‌ها بر پژوهش‌های علمی و مباحث سیاست‌گذاری عملی تأثیر گذاشته است.^۱

۴. دوره دوم

هسته اولیه نظریه انتخاب عمومی در دوره اول شکل گرفت. بیشتر آثار بعدی به تکمیل، اصلاح یا عقب‌نشینی از این نظریه پرداختند (Orchard & Stretton, 1997: 409). توضیح بیشتر آنکه در دهه ۱۹۷۰، حوزه نظریه انتخاب عمومی با گسترش کارهای بنیادی قضیه عدم امکان کنت آرو به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافت. همانطور که بیان شد، قضیه آرو که در اوایل دهه ۱۹۵۰ مطرح شده بود، محدودیت‌های ذاتی روش‌های تجميع ترجیحات را برجسته کرده بود و به این نتیجه رسیده بود که هیچ فرایند تصمیم‌گیری‌ای نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان تمامی پنج معیار مطلوب را برآورده کند. پیامدهای این قضیه نشان می‌دادند که هر روش تصمیم‌گیری جمعی لزوماً یک یا چندین مورد از این معیارها را نقض خواهد کرد؛ مسئله‌ای که چالش‌های بزرگی برای فرایندهای دموکراتیک و جست‌وجوی سیستم‌های رأی‌گیری منصفانه ایجاد می‌کرد (Arrow, 1951: 98).

این مسیر تحقیقاتی در دهه ۱۹۷۰ با دستاوردهای مهمی از سوی ساترویت^۲ و گیبارد^۳ ادامه یافت. آن‌ها با افزودن مفهوم «راهبردناپذیری»^۴ بر کار کنت آرو فعالیت خود را ادامه دادند. راهبردناپذیری ویژگی‌ای در سیستم‌های رأی‌گیری است که تضمین می‌کند افراد انگیزه‌ای برای بیان نادرست ترجیحات واقعی خود نداشته باشند. ساترویت و گیبارد نشان دادند که هر روش تجميع ترجیحات که هم غیردیکتاتوری باشد (یعنی هیچ فردی کنترل کامل بر نتیجه نداشته باشد) و هم راهبردناپذیر باشد (به‌طوری که بهترین راهبرد برای شرکت‌کنندگان بیان صادقانه ترجیحات واقعی خودشان باشد)، زمانی که بیش از دو گزینه وجود دارد، امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، اگر یک روش رأی‌گیری به دنبال آن باشد که هم منصفانه و هم مقاوم در برابر دستکاری باشد، نمی‌تواند از دیکتاتوری یا ترغیب رفتار راهبردی اجتناب کند.^۵

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید:

Moe (1997), Wintrobe (1997) and Mueller (2003, Chs.16 and 17).

2. Satterthwaite

3. Gibbard

4. Strategyproof

۵. ر.ک:

Satterthwaite, M. A. (1975). Strategy-proofness and arrow's conditions: Existence and

در اواخر دهه ۱۹۷۰، مک‌کلوی و اسکوفیلد پیامدهای عمیق فرایندهای تجميع ترجیحات که قادر به برآورده ساختن اصل انتقال‌پذیری^۱ نیستند را بررسی کردند؛ اصلی که برای تصمیم‌گیری منسجم ضروری است. اصل انتقال‌پذیری ایجاب می‌کند که مجموعه ترجیحات به صورت کامل مقایسه و رتبه‌بندی شوند. به عنوان مثال اگر کالای A بر B ارجحیت داشته باشد و B بر C، آنگاه A باید بر C نیز ترجیح داده شود. با این حال، زمانی که یک فرآیند تصمیم‌گیری نتواند انتقال‌پذیری را رعایت کند، ممکن است به «چرخه‌های رأی‌گیری» بیانجامد؛ پدیده‌ای که در آن ترجیحات جمعی به صورت بی‌پایان تکرار می‌شود، بدون اینکه یک انتخاب اکثریت واضح وجود داشته باشد.

مک‌کلوی و اسکوفیلد نشان دادند که در شرایطی که ترجیحات انتقال‌ناپذیر باشند، این چرخه‌ها می‌توانند به وضعیتی منجر شوند که در آن هر گزینه‌ای در فضای مسئله امکان‌پذیر می‌شود و در نتیجه، گونه‌ای از ناپایداری به نام «قضیه آشوب مک‌کلوی» ایجاد می‌شود. این قضیه مطرح می‌کند که در نبود این اصل، یک تنظیم‌کننده دستور کار - یعنی فرد یا گروهی که بر ترتیب و ساختار رأی‌گیری کنترل دارد - می‌تواند از این ناپایداری بهره‌برداری کرده و فارغ از ترجیحات اولیه بدنه رأی‌دهندگان، فرآیند رأی‌گیری را به سمت نتیجه دلخواه خود هدایت کند.^۲

پیامدهای این یافته برای نظریه سیاسی و سازمانی بسیار مهم بودند، زیرا نشان می‌دادند که کنترل بر دستور کار می‌تواند به عنوان ابزاری برای دستکاری استراتژیک در محیط‌هایی که نتایج رأی‌گیری پایدار نیستند، به کار گرفته شود (تولاک، ۱۳۸۴: ۵۰). درک مک‌کلوی و اسکوفیلد از چرخه‌های رأی‌گیری و تنظیم دستور کار، اهمیت طراحی نهادی را برجسته کرد و نشان داد که قوانین حاکم بر توالی و چارچوب تصمیم‌ها برای تضمین نتایج منصفانه و حفاظت در برابر دستکاری بسیار حیاتی هستند. این پژوهش بر مطالعات بیشتری درباره ضوابط رأی‌گیری و رفتار استراتژیک در کمیته‌ها تأثیر گذاشته و تعامل پیچیده بین ترجیحات فردی، ساختارهای نهادی و نتایج تصمیم‌گیری جمعی را به خوبی نشان داده است (McKelvey, 1976: 479; Schofield, 1978: 587).

قضایای مک‌کلوی و اسکوفیلد را می‌توان در ادامه ادبیاتی در نظر گرفت که توسط کنت آرو آغاز شد.

correspondence theorems for voting procedures and social welfare functions. *Economic Theory*, 10, 187-217.

Gibbard, A. (1977). Manipulation of schemes that combine voting with chance. *Econometrica*, 45, 665-668.

1. Transitivity Axiom

۲. ر.ک:

McKelvey, R. D. (1976). Intransitivities in multidimensional voting models and some implications for agenda control. *Economic Theory*, 12, 472-482.

Schofield, N. (1978). Instability of simple dynamic games. *Review of Economic Studies*, 45, 575-594.

این ادبیات تصویری بسیار منفی از ظرفیت فرآیندهای دموکراتیک برای تجمیع اطلاعات در مورد ترجیحات رأی‌دهندگان به شیوه‌ای نیکو نشان می‌دهد. به این صورت که تصمیم‌های جمعی با ظاهر دموکراتیک، احتمالاً دلبخواهی یا دیکتاتوری بودند. سواری مجانی و پنهان‌کاری استراتژیک ترجیحات فردی، مشروعیت دموکراسی را تضعیف کرد. جویندگان رانت و بوروکرات‌ها به «اتلاف دموکراسی»^۱ کمک کردند.

انتقاد ویلیام ریکر از «دموکراسی» به طور شفاف نبود تجمیع ترجیحات فردی از این طریق نشان می‌دهد (Riker, 1982: 19-16). با این حال، حتی پیش از انتشار کتاب ریکر، چندین توسعه در ادبیات انتخاب عمومی در حال وقوع بود که تصویری بسیار خوش‌بینانه‌تر از پتانسیل دموکراسی ارائه می‌داد.

یکی از این پیشرفت‌ها به پتانسیل افشای مستقیم ترجیحات مربوط می‌شود. این مفهوم نشان می‌دهد که افراد می‌توانند تشویق شوند تا ترجیحات واقعی خود را به طور مستقیم از طریق فرایندهایی مانند رأی‌گیری‌های ترجیحی یا نظرسنجی‌ها افشا کنند، به جای اینکه به نتایج رأی‌گیری‌های استراتژیک وابسته باشند. با تسهیل محیطی که در آن رأی‌دهندگان احساس اطمینان کنند تا ترجیحات واقعی خود را بدون ترس از دستکاری یا واکنش منفی بیان کنند، پتانسیل دستیابی به نتایج دموکراتیک مؤثرتر به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. این تغییر در درک نحوه بیان شفاف ترجیحات توسط افراد، نقطه عطف مهمی در بحث حول حاکمیت دموکراتیک و قابلیت‌های آن به شمار می‌رود.

۱.۴. قوانین رأی‌گیری

پل ساموئلسون در مقاله خود که شرایط تخصیص بهینه پارتو از کالاهای خصوصی و عمومی را استخراج می‌کند، نشان می‌دهد که نمی‌توان مردم را وادار کرد که صادقانه ترجیحات خود را آشکار کنند، زیرا هیچ فردی را نمی‌توان از مصرف یک کالای عمومی محض مستثنی کرد (Samuelson, 1954: 386-389)^۲. بنابراین همه چیز برای نزدیک به ۲۰ سال پابرجا بود، تا زمانی که کلارک و گرووز (به صورت مجزا) نشان دادند که افراد می‌توانند با دریافت یک «مالیات تشویقی» ویژه به اندازه هزینه‌های مشارکت آنها در فرایند انتخاب جمعی، ترغیب شوند که ترجیحات خود را برای منافع عمومی آشکار کنند (Clarke, 1971: 29-28; Groves, 1973: 629). این دسته از رویه‌ها برای اولین بار توسط ویلیام ویکری در زمینه دیگری کشف شد و در ادبیات انتخاب عمومی به عنوان فرآیندهای «افشای تقاضا»^۳ شناخته شد.^۴

1. Waste of Democracy

۲. شایان ذکر است که ساموئلسون از جمله اندیشمندان دوره اول انتخاب عمومی محسوب می‌شود.

3. Demand Revelation

۱. ر.ک:

Vickrey, W. (1961). Counterspeculation, auctions, and competitive sealed tenders. *Finance*, 16, 8-37.

مولر با معرفی یک روش سه‌مرحله‌ای نوآورانه، تلاش کرد تا مشکل افشای ترجیحات را در تصمیم‌گیری‌های جمعی حل کند. این مشکل به چالش اصلی‌ای اشاره دارد که چگونه می‌توان افراد را ترغیب کرد تا ترجیحات واقعی خود را در فرآیندهای دموکراتیک بیان کنند، بدون آنکه با استراتژی‌های فریبنده یا تاکتیک‌های پنهان کارانه، مشروعیت تصمیم‌های جمعی را تحت تأثیر قرار دهند.

در این روش، هر فرد ابتدا پیشنهادی ارائه می‌دهد؛ این پیشنهاد می‌تواند شامل مواردی مانند میزان کالای عمومی مورد نیاز یا یک فرمول مالیاتی برای تأمین هزینه‌های آن باشد. این مرحله اولیه به افراد اجازه می‌دهد تا اولویت‌ها و نیازهای واقعی خود را در رابطه با یک کالای عمومی یا سیاست خاص بیان کنند. در مرحله بعد، ترتیب حق و تو به صورت تصادفی تعیین می‌شود، و سپس هر فرد در نوبت خود یک گزینه را از مجموعه کل پیشنهادها حذف (وتو) می‌کند.

این روش سه‌مرحله‌ای با ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت و تنظیم برنامه به افراد، رویکردی منصفانه و کارآمد برای بیان ترجیحات فراهم می‌کند و امکان دستیابی به یک توافق جمعی را افزایش می‌دهد. همچنین، عنصر و تو در این روش نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ زیرا با اعمال و تو، افرادی که با برخی از گزینه‌ها مخالف‌اند می‌توانند از ورود این گزینه‌ها به مرحله نهایی جلوگیری کنند. این امر به کاهش احتمال دستکاری نتایج و همچنین تضمین انصاف در تصمیم‌گیری کمک می‌کند.

با این حال، مولر ادعان می‌کند که اجرای این روش به نهادهایی نیاز دارد که بتوانند فرآیندهای تصادفی و انتخاب‌های مبتنی بر و تو را به‌درستی مدیریت کنند. در نهایت، این مدل کمک می‌کند تا ضمن حفظ منافع فردی و ترجیحات واقعی، رویکرد دموکراتیک بیشتری در تصمیم‌گیری‌های عمومی شکل گیرد و تصویری مثبت از توانایی‌های دموکراسی برای تجمیع ترجیحات واقعی ارائه شود. این نتایج به‌وضوح دیدگاهی خوش‌بینانه‌تر درباره امکان تجمیع ترجیحات در مقایسه با بسیاری از آثار پیش از خود ارائه می‌کنند. خواننده می‌تواند با مقایسه کتاب‌های ویتمن (۱۹۹۵) و برتون (۱۹۹۶) با اثر رایکر (۱۹۸۲) متوجه تفاوت چشمگیر دیدگاه‌ها شود.

۲.۴. مطالعات تجربی

تقریباً تمامی جوایز نوبل در اقتصاد به‌خاطر دستاوردهای نظری در این حوزه اعطا شده‌اند. تمامی آثار اندیشمندان دوره اول در حوزه انتخاب عمومی نیز دستاوردهای نظری بوده‌اند، همان‌گونه که آثار بعدی‌ای که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نظری هستند. اما با رشد و بلوغ حوزه انتخاب عمومی، تعداد روزافزونی از مطالعات به وجود آمده‌اند که هر یک از فرضیات نظری این حوزه را مورد آزمون تجربی قرار می‌دهند. محدودیت متن، مانع از مرور کامل بسیاری از مطالعات تجربی انجام‌شده در این

حوزه است. بنابراین، به صورت مختصر برخی از این مطالعات تجربی توضیح داده می‌شود. اولین آن‌ها حوزه «چرخه‌های تجاری سیاسی»^۱ است.

یکی از پیشنهادها بسیار نقل‌شده آنتونی داونز این است که «احزاب، سیاست‌هایی را تدوین می‌کنند تا در انتخابات پیروز شوند، نه اینکه در انتخابات پیروز شوند تا سیاست‌ها را تدوین کنند.» (Downs, 1957: 28). از میان سیاست‌هایی که برای رأی‌دهندگان اهمیت زیادی دارند، وضعیت اقتصادی در صدر قرار دارد. اگر پیشنهاد نقل‌شده از داونز درست باشد، پس احزاب باید برای کسب آرا بر مبنای سیاست‌های اقتصاد کلان وعده‌داده‌شده رقابت کنند و هر دو حزب در یک سیستم دوحزبی باید مجموعه‌ای یکسان از سیاست‌ها را ارائه دهند. کرامر اولین کسی بود که به بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی و آرا برای اعضای مجلس نمایندگان و رئیس‌جمهور پرداخت.^۲ نوردهاوس و مکاری از نخستین افرادی بودند که مدل داونزی چرخه تجاری سیاسی را توسعه دادند، مدلی که در آن پیش‌بینی می‌شود هر دو حزب از راهبرد کاهش بیکاری پیش از انتخابات پیروی کنند تا رأی‌دهندگان نزدیک‌بین را به رأی دادن به حزب یا نامزد مستقر در قدرت^۳ ترغیب کنند.^۴

بسیاری از ناظران سیاسی در ایالات متحده و بریتانیا به پیش‌بینی مدل تک‌بعدی داونزی مبنی بر اینکه هر دو حزب موقعیت‌های یکسانی را در مطلوب‌ترین نتیجه برای رأی‌دهنده میانه اتخاذ می‌کنند، انتقاد کرده‌اند. این پیش‌بینی به‌طور آشکاری با شواهد مربوط به سیاست‌های اقتصاد کلان در تضاد است؛ به‌ویژه اینکه احزاب راست‌گرای میانه تمایل بیشتری به مقابله با تورم دارند، در حالی که احزاب چپ‌گرای میانه بیشتر بر کاهش بیکاری متمرکزند. پژوهش‌های اولیه هیبز^۵ و فرای و اشنايدر^۶ این «تأثیرات

1. Political Business Cycles

۲. رک:

Kramer, G. H. (1971). Short run fluctuations in U.S. voting behavior, 1896–1964. *American Political Science Review*, 65, 131–143.

۳. در ادبیات سیاسی، واژه incumbent به فرد یا حزبی اطلاق می‌شود که در زمان انتخابات در قدرت قرار دارد، یعنی در حال حاضر مسئولیت حکمرانی یا تصدی یک منصب دولتی را بر عهده دارد.

۴. رک:

Nordhaus, W. D. (1975). The political business cycle. *Review of Economic Studies*, 42, 169–190.

MacRae, C. D. (1977). A political model of the business cycle. *Political Economy*, 85, 239–263.

۵. رک:

Hibbs, D. A., Jr. (1977). Political parties and macroeconomic policy. *American Political Science Review*, 71, 1467–1487.

Hibbs, D. A., Jr. (1987). *The Political Economy of Industrial Democracies*. Cambridge: Harvard University Press.

۶. رک:

Frey, B. S., & Schneider, F. (1978a). An empirical study of politico-economic interaction in the U.S..

حزبی» را در یک مدل سیاسی از سیاست‌های اقتصاد کلان گنجانند و شواهد تجربی در حمایت از آن‌ها ارائه دادند.

در برخی از حوزه‌های انتخاب عمومی، دسترسی به داده‌های لازم برای آزمون یک فرضیه خاص دشوار است و به همین دلیل تحقیقات تجربی در این زمینه‌ها محدود است. اما چنین وضعیتی در مورد فرضیه‌هایی که انتخاب سیاست‌ها را به نتایج اقتصاد کلان پیوند می‌دهند، وجود ندارد. داده‌هایی درباره متغیرهایی همچون نرخ بیکاری و تورم برای تمامی کشورهای توسعه‌یافته به آسانی در دسترس است و همچنین داده‌های مربوط به نتایج انتخاباتی نیز موجود است. با گذشت هر سال، مشاهدات بیشتری برای بازآزمایی و بازنگری فرضیه‌های پیشین جمع‌آوری می‌شود. امروزه، ادبیات تجربی درباره چرخه‌های تجاری سیاسی گسترده است. یافته‌های اصلی، به‌طور خلاصه، نشان می‌دهند که تفاوت‌های حزبی میان احزاب چپ و راست مهم و پایدار هستند، اما هر دو، یعنی احزاب چپ‌گرا و راست‌گرا، با نزدیک شدن به انتخابات گرایش بیشتری به «داونزی» شدن پیدا می‌کنند و سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تطبیق می‌دهند که رأی‌دهندگان مردد و میانه‌رو را جذب کنند (آگوس، ۱۴۰۰: ۹۷-۹۸).^۱

۳.۲.۲. چندملیتی شدن انتخاب عمومی

حامیان اصلی نظریه انتخاب عمومی در دانشگاه ویرجینیا آمریکا تحصیل کردند. از این رو، در برخی موارد آن‌را «مکتب ویرجینیا» نیز می‌نامند (کلارک، ۱۳۹۶: ۱۰۵). با توجه به محل پیدایش و گسترش این نظریه، جای تعجب نیست که ادبیات مربوط به حکومت‌های نمایندگی، مانند حوزه چرخه تجاری سیاسی، تقریباً همیشه فرض بر وجود یک سیستم دوحزبی گذاشته است، حتی زمانی که از داده‌های کشورهای دارای سیستم چندحزبی برای آزمون مدل استفاده می‌شود. با این حال، در چند دهه اخیر توجه بیشتری به تحلیل ویژگی‌های خاص سیستم‌های چندحزبی معطوف شده است. این ادبیات با مشارکت گسترده افرادی که در حوزه انتخاب عمومی آموزش دیده‌اند شکل گرفته و حوزه‌ای است که در آن مرزهای میان علم سیاست و انتخاب عمومی به‌ویژه کم‌رنگ شده است (Butler, 2012: 39).

یکی از ویژگی‌های برجسته سیستم‌های چندحزبی این است که معمولاً هیچ حزبی به‌تنهایی اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست نمی‌آورد و در نتیجه، هیچ حزبی به‌تنهایی قادر به تشکیل دولت نیست. بنابراین، برای اینکه کابینه بتواند خواست اکثریت پارلمان را نمایندگی کند، نیاز به تشکیل ائتلافی از چند

Review of Economics and Statistics, 60, 174-183.

Frey, B. S., & Schneider, F. (1978b). A politico-economic model of the United Kingdom. *Economic*, 88, 243-253.

Paldam (1997), Drazen (2000) and Mueller (2003, Ch. 19).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

حزب وجود دارد، یا اینکه یک دولت اقلیت شکل می‌گیرد. در این شرایط، دو پرسش مهم مطرح می‌شود: ۱. کدام احزاب ائتلافی را تشکیل خواهند داد که دولت را بسازند؟ و ۲. این دولت ائتلافی چه مدت دوام خواهد آورد؟

نظریه بازی ابزار تحلیلی ایده‌آلی برای پاسخ به پرسش اول ارائه می‌دهد و از آن برای پیش‌بینی‌های مختلفی درباره ائتلاف‌هایی که پس از انتخابات شکل می‌گیرند استفاده شده است. زمانی که فضای موضوعات را نمی‌توان به‌طور منطقی یک‌بعدی فرض کرد، احتمال بروز چرخه‌ها وجود دارد که در زمینه تشکیل کابینه به معنای ائتلاف‌های حزبی ناپایدار است. در این مورد، مفاهیم نظریه بازی برای شناسایی اعضای احتمالی ائتلاف‌هایی که در نهایت دولت را تشکیل می‌دهند، بسیار مفید بوده‌اند.^۱ ادبیات طولانی‌ای که از تیلور و هرمن آغاز شده است، طول عمر یک دولت را اندازه‌گیری کرده و این طول را به ویژگی‌های مختلف دولت ربط می‌دهد. یکی از قوانین مشاهده‌شده این است که دولت‌های اقلیت به‌طور معمول و به نسبت عمر کوتاهی دارند و دولت‌هایی که توسط یک حزب اکثریت تشکیل می‌شوند، عمر بیشتری دارند.^۲ پرسون و تابلینی فرضیه‌هایی را درباره تأثیر قوانین انتخاباتی بر نتایج سیاسی مانند اندازه و ترکیب بودجه‌های دولتی، جست‌وجوی رانت و فساد توسعه و آزمون کرده‌اند. کار آن‌ها تفاوت‌های قابل توجهی را میان سیستم‌های دوحزبی و چندحزبی، و همچنین میان سیستم‌های ریاست‌جمهوری و پارلمانی آشکار می‌کند.^۳ شایان ذکر است که در این دوره به آرامی انتخاب عمومی با علم روان‌شناسی آمیخته شد. پیش از آن، اقتصاددانان با رهایی از پرسش‌های پیچیده روان‌شناسان، نظریه انتخاب عمومی را بر پایه ریاضیات توسعه داده بودند. با این حال با تحولات مذکور در دوره دوم و آگاهی بر محدودیت‌های انسانی در شناخت، به پیشنهاد هربرت سایمون^۴، اصطلاح انتخاب محدود جایگزین انتخاب عقلایی شد و با این دگرگونی، افق‌های جدیدی برای تحولات نظریه انتخاب عمومی به وجود آمد.

۵. دوره سوم

از اوایل قرن ۲۱ تا کنون دوره سوم آغاز شده است. حوزه انتخاب عمومی اکنون حدود هشتادساله است و متناسب با عمر خود، به دیگر حوزه‌های بالغ در علم اقتصاد شبیه شده است. بسیاری از تحقیقات کنونی

۱. ر.ک: Schofield (1997), and Mueller (2003, Ch. 13). Laver and Schofield (1990),

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Mueller, &Kaare, (2000). "Coalition governance in Western Europe," in Mueller, W.C. and Ström, K. (eds.) *Coalition Governments in Western Europe*. Oxford: Oxford University Press, pp. 559–592.

۳. ر.ک: Persson, T., &Tabellini, G. (2000). *Political Economics*. Cambridge, MA: MIT.

Persson, T, &Tabellini, G. (2003). *The Economic Effect of Constitutions*. Cambridge, MA: MIT.

4. Herbert A. Simon

بر توسعه و گسترش نظریه‌های موجود در جهات مختلف متمرکز هستند و همچنین به پر کردن فضاهاى خالى باقى‌مانده در بدنه نظریه‌ها می‌پردازند. بخش قابل توجهی از تحقیقات کنونی نیز شامل آزمون تجربی گزاره‌ها و ادعاهای نظری متعددی است که تاکنون مطرح شده‌اند. توسعه آینده این حوزه تقریباً مشابه سایر حوزه‌های بالغ در علم اقتصاد خواهد بود. به این صورت که با استفاده مداوم و فزاینده از ریاضیات پیشرفته در مدل‌سازی‌های نظری و کاربردهای پیوسته پیچیده‌تر اقتصادسنجی بر روی داده‌های بزرگتر در تخمین این مدل‌ها پیشرفت حاصل خواهد شد.

دو روند دیگر نیز مشهود است. اگرچه انتخاب عمومی به‌طور حتم به‌عنوان یکی از حوزه‌ها در علم اقتصاد باقی خواهد ماند، اما ممکن است در پایان بر تمام رشته علوم سیاسی تأثیر گذارد، به‌گونه‌ای که تمام دانشمندان سیاسی در آینده از مدل‌های بازیگران عقلانی در تحلیل مسائل مختلف علوم سیاسی استفاده کرده و تمام آن‌ها فرضیات خود را با استفاده از همان رویه‌های آماری که اقتصاددانان به کار می‌برند، مورد آزمون قرار دهند (Mueller, 2008: 43). همانند علوم سیاسی، گرایش‌های حقوقی به‌ویژه حقوق عمومی از این نظریه متأثر بوده است و با توجه به نظریه مذکور مفاهیم اصلی حقوق عمومی بازطراحی شده‌اند.

روند دوم قابل تشخیص، بین‌المللی‌شدن کامل این رشته است. در ابتدا (دوره اول) انجمن انتخاب عمومی و مجله‌ای با همین نام در ایالات متحده مسئولیت انتشار منسجم آثار در این حوزه را بر عهده گرفت (کاپوراسو ولوین، ۱۳۹۲: ۲۰۳). در این دوره، این نظریه در عرصه جغرافیایی گسترش یافته و یک انجمن انتخاب عمومی در ژاپن و همچنین یک انجمن انتخاب عمومی اروپایی تأسیس شده است. در بهار سال ۲۰۰۷، شاخه‌های آمریکایی و اروپایی به‌طور مشترک اولین کنفرانس جهانی انجمن انتخاب عمومی را در آمستردام برگزار کردند (Butler, 2012: 39). اکنون می‌توان گفت که انتخاب عمومی هم یک گرایش تحقیقاتی بین‌رشته‌ای و هم یک گرایش بین‌المللی است.

با بین‌المللی‌شدن این گرایش، ایران یکی از مقاصد توسعه آن می‌شود. به نظر می‌رسد تمدن چهرمی اولین اثر مکتوب در ادبیات علمی انتخاب عمومی در اواخر دهه شصت شمسی را به چاپ رسانده است.^۱ بنابراین همانند الگوی پیدایش این نظریه در جهان، در ایران نیز، سنگ بنای این مفهوم از سوی اقتصاددانان گذاشته و سپس از سوی اندیشمندان مدیریت، علوم سیاسی و حقوق ادامه داده شده است. بخش قابل توجهی از این آثار در زبان فارسی، ترجمه منابع انگلیسی هستند. با این حال، در این میان آثار تألیفی نیز به چشم می‌خورد. به صورت کلی این آثار تألیفی یا به تحلیل و نقد مبانی این نظریه می‌پردازند^۲ یا کاربردهای نظری آن را در موضوع مختلف پیگیری می‌کنند.^۳

۱. ر.ک: تمدن چهرمی، محمدحسین (۱۳۶۸). زمینه‌های عمده فعالیت جیمزبوکانان برنده جایزه نوبل اقتصاد (۱۹۸۶). تحقیقات اقتصادی، ۴۰ (۳)، ۸۶-۹۴.

۲. برای نمونه ر.ک: نادران، الیاس و رضایی، محمدجواد (۱۳۹۰). اقتصاد اسلامی و دلالت‌های نظریه انتخاب عمومی.

۶. نتیجه‌گیری

نقطه آغاز تمامی موضوعات مطرح شده در نظریه انتخاب عمومی یکسان نیست. در آثار اولیه، مبتکران این نظریه همانند بلک و کنت آرو تأکید بر اختلالات در فرایند رأی‌گیری بود. این ایده‌ها باعث شد که پژوهشگران انتخاب عمومی به فرایند تصمیم‌گیری عمومی بدین شوند. به نظر می‌رسید شناسایی هیچ سیستمی که بتواند به‌طور واقعی و پایدار ترجیحات متنوع افراد را منعکس کند، ممکن نیست. به‌رغم اینکه برخی نظریه‌پردازان ایده‌های خوش‌بینانه‌تری داشتند، اما غلبه با بدینی نسبت به شیوه رأی‌گیری بود.

جریان رایج به تدریج نگاه منفی به الگوی تصمیم‌گیری‌های سیاسی را گسترش دادند و معتقد بودند که افراد به‌جای بیان ترجیحات واقعی خود به صورت استراتژیک رأی می‌دهند؛ گروه‌های دارای نفوذ تأثیر بیش از حدی بر تصمیم‌های عمومی دارند؛ مردم انگیزه کمی برای درک مسائل یا حتی شرکت در انتخابات از خود بروز می‌دهند؛ تنظیم‌کنندگان دستور کار جلسات دولتی اطمینان حاصل می‌کنند که ترجیحات خودشان غالب شود؛ احزاب به جای ارائه گزینه‌های واقعی به سمت میانه همگرایی می‌کنند؛ لابی‌گران منابع عظیمی را صرف دریافت امتیاز از سیاستمداران می‌کنند و بوروکرات‌ها نیز به دنبال منافع شخصی و تقویت موقعیت خود بودند.

برخلاف بدینی افراطی اولیه، مطالعات تجربی خوش‌بینی را تقویت کرده‌اند. برای مثال، برخی پژوهشگران اکنون معتقدند که اگرچه پیگیری نفع شخصی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌ها باشد، اما کنشگری بوروکرات‌ها و بودجه‌های آن‌ها در واقع بسیار بهتر از آن چیزی است که نیکسن تصور می‌کرد. علاوه بر این، به‌جای تمرکز مداوم بر رأی‌دهنده میانه، احزاب سیاسی در موضوعات مهمی مانند تورم و بیکاری به‌طور قابل توجه و بلندمدت از یکدیگر فاصله می‌گیرند.

با بلوغ نظریه انتخاب عمومی، بینش‌های رادیکال جای خود را به تکمیل جزئیات و آزمودن نتایج داده‌اند. همان‌طور که بیان شد، برخی نظریه‌ها و مطالعات تجربی اخیر، برخی از فرضیات اولیه دانشمندان انتخاب عمومی را زیر سوال برده‌اند یا نیاز به اصلاح و بازنگری اساسی آن‌ها را مطرح کرده‌اند.

علاوه بر شواهد به دست آمده از نظام‌های سیاسی واقعی، اقتصاددانانی مانند ورنون اسمیت (برنده جایزه نوبل ۲۰۰۲) مطالعات تجربی درباره نحوه تصمیم‌گیری مردم انجام داده‌اند. از جمله بینش‌هایی که

از این تحقیقات به دست آمده، این است که امکان طراحی سیستم‌های انتخاباتی وجود دارد که شدت دیدگاه‌های مختلف رأی‌دهندگان را آشکار کرده و رأی‌گیری استراتژیک را کاهش دهد. همچنین ایده بوکانان و تالاک مبنی بر دستیابی به توافق همگانی بر سر یک قانون اساسی در عمل امکان‌پذیر است. همچنین، آزمایش‌های متعدد دیگر نشان می‌دهند که اگرچه افراد همان‌طور که اولسون باور داشت، به صورت رایگان از منافع جمعی بهره‌برداری می‌کنند، اما این رفتار بسیار کمتر از آن چیزی است که معمولاً تصور می‌شود. در واقع، بسیاری از افراد انرژی بیشتری نسبت به آنچه منافع شخصی «عقلانی» آن‌ها توجیه می‌کند، به سیاست اختصاص می‌دهند. به‌رغم مخالفت‌های برخی از طرفداران این نظریه، یکی دیگر از روندهای قابل مشاهده در این حوزه، افزایش استفاده از ریاضیات در این نظریه است. در پایان باید گفت که نظریه انتخاب عمومی نیز تأثیری عمیق‌تر بر علم سیاست و حقوق گذاشته است، به‌طوری‌که متخصصان این حوزه‌ها بیشتر به استفاده از رویکرد «کنشگر عقلانی» گرایش پیدا کرده‌اند. نظریه انتخاب عمومی که از مفاهیم ابتدایی و متزلزل خود آغاز شد، اکنون به میدانی برای بحث‌های بسیار پویا و زنده در علوم سیاسی و حقوق تبدیل شده است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. آگوس، آنتونی (۱۴۰۰). *مقررات‌گذاری ساختار حقوقی و نظریه‌های اقتصادی*. ترجمه سیداحسان رفیعی علوی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲. بوکانان، جیمز و تالوک، گوردون (۱۳۹۴). *محاسبه رضایت: مبانی منطقی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی*. ترجمه غلامرضا آزاد و امیر آزاد. تهران: نی.
۳. بیکس، برایان (۱۳۸۹). *فرهنگ نظریه حقوقی*. ترجمه محمد راسخ. تهران: نی.
۴. فوکو، میشل (۱۳۸۹). *تولد زیست سیاست*. ترجمه رضا نجف‌زاده. تهران: نی.
۵. کاپوراسو، جیمز ای و لوین، دیوید پی (۱۳۹۲). *نظریه‌های اقتصاد سیاسی*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: ثالث.
۶. کلارک، باری (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی تطبیقی*. ترجمه عباس حاتمی. تهران: کویر.
۷. مولر، دنیس سی (۱۳۹۵). *انتخاب عمومی: تحلیل اقتصادی قواعد بازی اجتماعی از دیکتاتوری تا دموکراسی*. ترجمه حمید هوشنگی. تهران: نور علم، ج ۱.

ب) مقالات

۸. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۸). *نظریه انتخاب عمومی و ضرورت تحول در ساختار اداری*. مطالعات مدیریت، بهبود و

- تحول، ۶ (۲۳ و ۲۴)، ۲۰-۵.
۹. تمدن جهرمی، محمدحسین (۱۳۶۸). زمینه‌های عمده فعالیت جیمز بوکانان برنده جایزه نوبل اقتصاد (۱۹۸۶). تحقیقات اقتصادی، ۴۰، ۸۶-۹۴.
۱۰. تولاک، گوردون (۱۳۸۴). مکتب انتخاب عمومی. ترجمه سیدحسین میرجلیلی. اقتصاد، ۴۵ و ۴۶، ۴۸-۵۳.
۱۱. رحیمی‌مقدم، سیدحسین؛ گرجی ازندریانی، علی‌اکبر؛ نجابت‌خواه، مرتضی؛ فقیه لاریجانی، فرهنگ (۱۴۰۱). سنجش قضاوت جمعی؛ نظریه انتخاب عمومی و اخلاق قضایی در ساختار و عملکرد دیوان عدالت اداری. مطالعات حقوق عمومی، ۵۲ (۱)، ۴۷-۲۵.
۱۲. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶). تخت بی‌بخت؛ بازاندیشی مفهومی نظریه انتخاب عمومی. سیاست، ۳۷ (۱)، ۲۰۹-۲۰۱.
۱۳. نادران، الیاس و رضایی، محمدجواد (۱۳۹۰). اقتصاد اسلامی و دلالت‌های نظریه انتخاب عمومی. اقتصاد اسلامی، ۴۲ (۱۱)، ۸۶-۵۹.

ج) پایان‌نامه

۱۴. رضایی، محمدجواد (۱۳۸۹). تحلیل مقایسه‌ای شکست دولت از منظر اقتصاد اسلامی و مکتب انتخاب عمومی. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد. به راهنمایی الیاس نادران. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد. تاریخ دفاع ۱۳۸۹/۰۶/۳۰.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Arrow, K. J. (1951). *Social Choice and Individual Values*. New York: Wiley.
2. Black, D. (1958). *The Theory of Committees and Elections*. Cambridge: Cambridge University.
3. Buchanan, J. M., & Tullock, G. (1962). *The Calculus of Consent. Logical Foundations of Constitutional Democracy*. Ann Arbor: University of Michigan.
4. Butler, E. (2012). *Public Choice – A Primer*, London: The Institute of Economic Affairs.
5. Downs, A. (1957). *An Economic Theory of Democracy*. New York: Harper & Row.
6. Drazen, A. (2000). *Political Economy in Macroeconomics*. Princeton: Princeton University.
7. Dunleavy, P. (1991). *Democracy, Bureaucracy and Public Choice*. London: Routledge.
8. Laver, M., & Schofield, N. (1990). *Multiparty Government*. Oxford: Oxford University.
9. Magee, S. P. (1997). *Endogenous protection: the empirical evidence*, in Mueller, D. C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 526–561.
10. Mill, J. S. (1861). *Considerations on Representative Government*. New York: Bobbs-Merrill.
11. Moe, T. M. (1997). *The positive theory of public bureaucracy*, in Mueller, D.C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 455–480.
12. Mueller, D. C. (2003). *Public Choice III*. Cambridge: Cambridge University.

13. Mueller, D. C. (2008), Public Choice: An Introduction, a chapter of book 'Readings in Public Choice and Constitutional Political Economy', USA: Springer.
14. Mueller, W. C., & Kaare, S. (2000). *Coalition governance in Western Europe*, in Mu"ller, W.C. and Str"m, K. (eds.) *Coalition Governments in Western Europe*. Oxford: Oxford University, 559–592.
15. Niskanen, W. A. (1971). *Bureaucracy and Representative Government*. Chicago: Aldine.
16. Paldam, M. (1997). *Political business cycles*, in Mueller, D. C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 342–370.
17. Persson, T., & Tabellini, G. (2003). *The Economic Effect of Constitutions*. Cambridge, MA: MIT.
18. Persson, T., & Tabellini, G. (2000). *Political Economics*. Cambridge, MA: MIT.
19. Riker, W. H. (1962). *The Theory of Political Coalitions*. New Haven: Yale University.
20. Riker, W. H. (1982). *Liberalism Against Populism*. San Francisco: Freeman.
21. Saari, D. G. (1994). *Geometry of Voting*. Berlin Heidelberg New York: Springer.
22. Schofield, N. (1997). *Multiparty electoral politics*, in Mueller, D. C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 271–295.
23. Schumpeter, J. A. (1942). *Capitalism, Socialism and Democracy*, 3rd edn, (1950) New York: Harper & Row.
24. Tullock, G. (2002). *People Are People: The Elements of Public Choice, the chapter of Government failure: A primer in public choice*. Washington: Cato Institute.
25. Wicksell, K. (1896). *Ein neues Prinzip der gerechten Besteuerung*. Finanztheoretische Untersuchungen, Jena; translated as A New Principle of Just Taxation, 1958; reprinted in (1967) Richard, A. M., and Peacock, A. T. (eds.) *Classics in the Theory of Public Finance*. London: Macmillan, 72–118.
26. Young, H. P. (1997). *Group choice and individual judgements*, in Mueller, D.C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 201–225.

B) Articles

27. Alt, J. E. (1999). Obituary: Thoughts on Mancur Olson's contribution to political science. *Public Choice*, 98, 1–4.
28. Arrow, K. J. (1950). A difficulty in the concept of social welfare. *Political Economy*, 58, 328–346.
29. Black, D. (1948a). On the rationale of group decision making. *Political Economy*, 56, 23–34; reprinted in K.J. Arrow and T. Scitovsky (eds.) (1969), 133–146.
30. Black, D. (1948b). The decisions of a committee using a special majority. *Econometrica*, 16, 245–261.
31. Buchanan, J. M. (1949). The pure theory of government finance: A suggested approach. *Political Economy*, 57: 496–506.
32. Clarke, E. H. (1971). Multipart pricing of public goods. *Public Choice*, 11, 17–33.
33. Frey, B. S., & Schneider, F. (1978a). An empirical study of politico- economic interaction in the U.S. *Review of Economics and Statistics*, 60, 174–183.
34. Frey, B. S., & Schneider, F. (1978b). A politico-economic model of the United Kingdom. *Economic*, 88, 243–253.
35. Gibbard, A. (1977). Manipulation of schemes that combine voting with chance. *Econometrica*, 45, 665–668.

36. Groves, T. (1973). Incentives in teams. *Econometrica*, 41, 617–631.
37. Kramer, G. H. (1971). Short run fluctuations in U.S. voting behavior, 1896–1964. *American Political Science Review*, 65: 131–143.
38. Krueger, A. O. (1974). The political economy of the rent-seeking society. *American Economic Review*, 64(3), 291–303; reprinted in Buchanan, J. M., Tollison, R. D., and Tullock, G. (eds.) (1980) 51–70.
39. MacRae, C. D. (1977). A political model of the business cycle. *Political Economy*, 85, 239–263.
40. McKelvey, R. D. (1976). Intransitivities in Multidimensional Voting Models and Some Implications for Agenda Control. *Economic Theory*, 12(3), 472–482.
41. Nordhaus, W. D. (1975). The political business cycle. *Review of Economic Studies*, 42, 169–190.
42. Orchard, L., & Stretton, H. (1997). Public choice. *Cambridge Journal of Economics*, 21 (3), 409–430.
43. Posner, R. A. (1975). The social costs of monopoly and regulation. *Political Economy*, 83, 807–827; reprinted in Buchanan, J. M., Tollison, R. D., and Tullock, G. (eds.), (1980) 71–94.
44. Samuelson, P. A. (1954). The pure theory of public expenditure. *Review of Economics and Statistics*, 36, 386–389.
45. Satterthwaite, M. A. (1975). Strategy-proofness and arrow's conditions: Existence and correspondence theorems for voting procedures and social welfare functions. *Economic Theory*, 10, 187–217.
46. Schofield, N. (1978). Instability of Simple Dynamic Games. *Review of Economic Studies*, 45(4), 575–594.
47. Tollison, R. D. (1997). Rent seeking, in Mueller, D.C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 506–525.
48. Vickrey, W. (1961). Counterspeculation, auctions, and competitive sealed tenders. *Finance*, 16, 8–37.
49. Wintrobe, R. (1997). Modern bureaucratic theory, in Mueller, D.C. (ed.) *Perspectives on Public Choice*. Cambridge: Cambridge University, 429–454.

۳. فرانسوی

A) Livres

1. de Borda, J. C. (1781). *Memoire sur les Elections au Scrutin*. Paris: Histoire de l'Academie Royale des Sciences.
2. de Condorcet, M. (1785). *Essai sur l'Application de L'Analyse a` la Probabilite` des De`cisions Rendues a` la Pluraliste des Voix*. Paris.

References In Persian:**A) Books**

1. Agus, A. (2021). *Regulation, Legal Structure, and Economic Theories*, trans. Seyed Ehsan Rafiee Alavi. Tehran: Imam Sadiq University ([In Persian](#)).
2. Bix, B. (2010). *Dictionary of Legal Theory*, trans. Mohammad Rasikh. Tehran: Ney ([In Persian](#)).
3. Buchanan, J., & Tullock, G. (2015). *The Calculus of Consent: Logical Foundations of Constitutional Democracy*, trans. Gholamreza Azad & Amir Azad. Tehran: Ney ([In Persian](#)).
4. Clark, B. (2017). *Comparative Political Economy*, trans. Abbas Hatami. Tehran: Kavir ([In Persian](#)).
5. Foucault, M. (2010). *The Birth of Biopolitics*, trans. Reza Najafzadeh. Tehran: Ney ([In Persian](#)).
6. Kapurasso, J. A., & Levine, D. P. (2013). *Theories of Political Economy*, trans. Mahmoud Abdollahzadeh. Tehran: Sales ([In Persian](#)).
7. Mueller, D. C. (2016). *Public Choice: The Economic Analysis of Social Rules from Dictatorship to Democracy*. trans. Hamid Houshang. Tehran: Noor-e Elm. Vol. 1, ([In Persian](#)).
8. Hibbs, D. A., Jr. (1987). *The Political Economy of Industrial Democracies*. Cambridge: Harvard University Press.

B) Articles

9. Alvani, S. M. (1999). Public Choice Theory and the Need for Transformation in the Administrative Structure. *Management Studies: Improvement and Transformation*, No. 7, 5–20 ([In Persian](#)).
10. Malek Mohammadi, H. (2007). The Ill-Fated Throne: A Conceptual Reconsideration of Public Choice Theory. *Quarterly Journal of Politics*, Vol. 37, No. 1 (Spring 2007), 201–209 ([In Persian](#)).
11. Naderan, E., & Rezaei, M. J. (2011). Islamic Economics and the Implications of Public Choice Theory. *Islamic Economics*, Summer 2011, 59–86 ([In Persian](#)).
12. Rahimi Moghaddam, S. H.; Gorji Azandaryani, A. A.; Nejabatkhah, M., & Faghih Larijani, F. (2022). Assessing Collective Judgment: Public Choice Theory and Judicial Ethics in the Structure and Function of the Iranian Administrative Justice Court. *Public Law Studies*, 52 (1) (Spring 2022), 25–47 ([In Persian](#)).
13. Tamaddon Jahromi, M. H. (1989). The Major Areas of Activity of James Buchanan, Nobel Laureate in Economics (1986). *Economic Research*, Autumn 1988, 40, 86–94 ([In Persian](#)).
14. Tullock, G. (2005). The Public Choice School, trans. Seyed Hossein Mirjalili. *Economic*, Aug.–Sept. 2005, Nos. 45–46, 48–53 ([In Persian](#)).
15. Hibbs, D. A., Jr. (1977). Political parties and macroeconomic policy. *American Political Science Review*, 71. 1467–1487.

C) Thesis

16. Rezaei, Mohammad Javad. (2010). A Comparative Analysis of Government Failure from the Perspective of Islamic Economics and Public Choice School. *M.A. Thesis*, Imam Sadiq University ([In Persian](#)).